

بررسی تاثیر سیاست آزادسازی بر گسترش رقابت در بازار بیمه

هدیه وجدانی طهرانی

(فوق لیسانس اقتصاد، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

ابراهیم علی رازینی

(دکترای اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد و پژوهشگر معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی، وزارت بازرگانی)

جامع به منظور افزایش سطح بهره‌وری و کارایی اقتصادی پرداختند که تحت عنوان برنامه تعدیل ساختار اقتصادی مشهور است. از ویژگی‌های اصلی این سیاست، کاهش مداخله دولت در اقتصاد و واگذاری روند تخصیص منابع به مکانیزم قیمت‌ها و بازار است. از این‌رو توجه بیشتر به بخش خصوصی به عنوان عامل رشد و توسعه، سرلوحه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی واقع گردید. امروزه این سیاست جامع تحت عناوین گوناگون آزادسازی، مقررات زدایی، خصوصی‌سازی و یا توسعه بخش خصوصی مطرح می‌شود که در این مقاله به اختصار به هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

اهمیت صنعت بیمه و ضرورت آزادسازی آن

امروزه صنعت بیمه یکی از ضروری‌ترین بخش‌های اقتصادی هر کشوری است که وظایف و کارکردهای مهمی را بر عهده دارد. در کشور ما نیز بیمه یکی از مهمترین عوامل حفظ و تضمین سرمایه است. این صنعت مهم از یک طرف، با ارائه خدمات مناسب خود، موجبات رفاه بیشتر افراد را در جامعه فراهم می‌سازد و از طرفی دیگر، در تجارت خارجی کشورها (از جمله ایران)، نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند به طوری که

در این مقاله، ابتدا با تاملی بر مفهوم آزادسازی و روش‌های اجرایی آن، به نقش مقررات تنظیمی و ابزارهای آن از جمله، قانون رقابت پرداخته و سپس با بررسی نظریه‌های مکاتب اقتصادی مختلف در خصوص آزادسازی، به مروری بر تجارب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه در رابطه با آزادسازی صنعت بیمه می‌پردازیم و پس از بررسی اثرات آزادسازی بر حذف و یا کاهش عدم کارایی در این صنعت، به ضرورت نهادهای تنظیم‌کننده و از جمله آن‌ها مقررات رقابت پرداخته و در نهایت با تاکید بر مقررات زدایی و اثرات آن بر اقتصاد و بخصوص صنعت بیمه، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

مقدمه

به دنبال وقوع تحولات مختلف در جهان، سیاست‌گذاران و کارشناسان توسعه به این نتیجه رسیدند که ساختار موجود اقتصادی در اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند به تخصیص بهینه منابع منجر شود و برخورد با شرایط جدید مستلزم اصلاحات ساختاری است. بدین لحاظ دولت‌ها به تدوین یک مجموعه سیاست اقتصادی



بسیاری از مخاطرات را پوشش داده و صاحبان کالا و خدمات را از تجارت مطمئن بهره‌مند می‌نماید.^(۱) از اینرو می‌توان امیدوار بود که این صنعت با سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی بتواند سهم در خور توجهی از منابع جامعه از جمله نیروی انسانی، سرمایه، تکنولوژی و مدیریت را به خود جذب و جلب کند و بدین ترتیب با ظرفیت‌سازی فاصله بین ظرفیت بالفعل و ظرفیت بالقوه را کاهش دهد و در نهایت، این دو ظرفیت را برابر کند. در چنین شرایطی نه تنها به لحاظ ایجاد رقابت سالم افزایش کارایی الزامی می‌شود بلکه حتی با درجه کارایی ثابت نیز سهم و نقش صنعت بیمه در کل اقتصاد افزایش می‌یابد. اینکه پس از رقابتی شدن بازار بیمه، کارایی و بهره‌وری تا چه حد افزایش می‌یابد به درجه شدت و کیفیت رقابت بستگی دارد.^(۲)

تمایز بین اندیشه «رقابت» و اندیشه «ساختار بازار» و اختلاف نظر در خصوص سطح دخالت دولت، ریشه در اختلافاتی دارد که از مفهوم رقابت در دیدگاه‌های مختلف ناشی می‌شود.

کلاسیک‌ها رقابت را به رفتار اقتصادی ربط می‌دهند و از آنجا که قیمت را به عنوان متغیر اصلی تنظیم‌کننده ساختار بازار می‌دانند نقش و جایگاه قابل توجهی برای دولت در تنظیم ساختار بازار قائل نیستند. حال آنکه در دیدگاه نئوکلاسیک؛ رقابت، رفتاری نیست و با ساختار بازار ارتباط پیدا می‌کند و قیمت را به عنوان یک «پارامتر»^(۳) در نظر گرفته و در نتیجه هنگام مواجهه با پیامدهای جنبی و نیز اعمال سیاست‌های اقتصاد کلان؛ دخالت دولت در بازار ضرورت می‌یابد.

بر اساس مدل‌های نئوکلاسیک، بازارها باید به طور کامل عمل کنند. به عبارت دیگر باید شرایط رقابت کامل، دسترسی آزاد و کامل به اطلاعات برقرار باشد اما از آنجا که در واقعیت چنین شرایطی هرگز به طور کامل برقرار نمی‌شود و بازارها با شکست مواجه می‌شوند، به منظور حمایت از منافع عمومی لازم است مداخله‌ای صورت گیرد. چنین مداخله‌ای اکثراً توسط دولت‌ها و از طریق نظام تنظیم‌گری Regulatory صورت می‌گیرد.^(۴)

مقررات تنظیمی

به طور کلی «مقررات تنظیمی» به شرایطی گفته می‌شود که یک دولت کنترل‌هایی را بر فعالیت اشخاص و نگاه‌ها وضع می‌نماید.

مقررات تنظیمی ابزارهایی را فراهم می‌کند که از طریق آن‌ها دولت می‌تواند اقتصاد را مدیریت نماید تا به اهداف اقتصادی و اجتماعی پایداری دست یابد.^(۵) برای اجرای مقررات تنظیمی، از نهادهای تنظیم‌کننده استفاده می‌شود.

منظور از نهادهای تنظیم‌کننده؛ نهادهایی می‌باشند که دارای قدرت تنظیم‌کنندگی هستند، این نهادها عبارت‌اند از وزارتخانه‌ها، آژانس‌ها مستقل تنظیم‌کننده؛ آژانس‌های مستقل مشاوره‌ای و مقامات رقابت.

گفتنی است که اگر چه در گذشته رژیم‌های مقررات تنظیمی دولتی به عنوان عامل مهمی در حمایت عموم از بند انحصارات بوده‌اند (Francis, ۱۹۹۳)، اما به تدریج این تلقی از آن‌ها بوجود آمد که اغلب مانع کارایی اقتصادی و عملیات نیروهای بازار می‌شوند؛

به طوری که کمیسیون اروپا در سال ۱۹۸۷، ۴ عامل مهم ناکارایی ناشی از مقررات تنظیمی را به صورت زیر شناسایی نموده است:

۱- تکنیکی، ناشی از حمایت از بنگاه‌های غیر کارا.

۲- داخلی، ناشی از فقدان فشارهای رقابت‌پذیری.

۳- تخصیصی، ناشی از بالاتر بودن هزینه‌ها نسبت به سطح هزینه‌ها در شرایط رقابت.

۴- نوآوری، ناشی از فقدان رقابت‌پذیری و محدودیت‌های مقررات تنظیمی (Regulation).

تحت شرایط ناکارایی؛ بنگاه‌های غیر کارا با سودهای پایین‌تر و فقدان رقابت‌پذیری به فعالیت خواهند پرداخت؛ بدین لحاظ عوامل زیادی شناخته شده‌اند که بر درجه رقابت‌پذیری کمپانی‌های اروپایی و ظرفیت آن‌ها برای ایجاد و افزایش اشتغال موثرند. تسهیل قانون‌گذاری و حذف قوانین غیر ضروری و تسهیل چارچوب‌های مقررات تنظیمی، کمک مهمی در ایجاد شرایطی می‌کند که در آن شرایط، اهداف اشتغال می‌تواند تحقق و رقابت‌پذیری جهانی ارتقاء یابد.^(۷)

هدف از تسهیل قانون‌گذاری و اجراء اصلاح Regulation‌های موجود (Re Regulation) یا جایگزین نمودن آن‌ها با مکانیزم‌های بدیلی همچون موافقتنامه‌های داوطلبانه، مکانیزم‌های بازار یا خودتنظیمی (Self-Regulation) یا مقررات زدایی (Deregulation) در راستای کاهش هزینه‌ها برای فعالیت اقتصادی است.

مقررات زدایی

مقررات زدایی، یک اصل، قاعده یا قانونی است که به صنایع اجازه می‌دهد تا خودشان را کنترل نمایند به جای اینکه بوسیله دولت کنترل شوند.^(۸) مدافعان مقررات زدایی معتقدند که مقررات زدایی فرایندی است که دولت‌ها از آن به جای مقررات تنظیمی به منظور تقویت اثر بخشی تئوری بازارها استفاده می‌کنند. اصل تئوری این است که مقررات تنظیمی کمتر منجر به افزایش سطح رقابت‌پذیری و در نتیجه، افزایش کارایی می‌شوند.

هدف مقررات زدایی جلوگیری از مقررات تنظیمی غیر کارا و محدود نمودن دامنه مقررات تنظیمی، برای حذف (یا محدود نمودن) مداخلاتی است که به طور متفاوتی بر رقابت‌پذیری بازار و ایجاد قوانین ساده‌تر مدیریتی، جامع و انعطاف‌پذیر (Stober, ۱۹۹۵) اثر می‌گذارند.

در عمل، مقررات زدایی معمولاً به یکی از دو فعالیت زیر اشاره دارد: الف) خصوصی‌سازی و باز بودن اقتصاد برای ایجاد فضای رقابت در انحصارات دولتی

ب) محدود نمودن دامنه مقررات تنظیمی در حیطه‌های سیاستی، همچون سیاست صنعتی، محیطی و مصرفی.

خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی عبارت از واگذاری و انتقال قسمتی از دارایی‌ها، سهام، مدیریت، امور خدماتی، فعالیت‌ها و مسوولیت‌های یک شرکت یا سازمان دولتی به بخش خصوصی است.^(۹) بنابر این تعریف، مفهوم خصوصی‌سازی در واقع، کوچک کردن نقش دولت در اقتصاد و حرکت به سوی اقتصاد بازار است. به بیان دیگر «واجد شرایط بازار کردن»^(۱۰) و باز نمودن درهای یک مؤسسه اقتصادی عمومی به روی نیروهای بازار با توجه

به داده‌ها و ستاده‌ها می‌باشد. فرایند «واجد شرایط بازار کردن»، به مقدار قابل ملاحظه‌ای تابع سیاست‌های کلی دولت در زمینه آزادسازی و مقررات زدایی^(۱۱) می‌باشد.

خصوصی سازی را می‌توان برحسب درجه و میزان انتقال فعالیت از بخش دولتی به بخش خصوصی به سه گونه زیر تقسیم نمود:^(۱۲)

الف) مقررات زدایی و آزادسازی: در این نوع خصوصی سازی، دولت انحصارگر مورد تهاجم نظریه پردازان قرار می‌گیرد و ایده اصلی این است که برای خارج شدن از حالت انحصار باید با حذف مقررات زاید، شرایط ورود بخش خصوصی به صنایع انحصاری را هموار نمود.

ب) خصوصی سازی مدیریت: در این نوع خصوصی سازی، ایده اصلی این است که سازمان‌های بزرگ، به دلیل حجم انبوه وظایف، در بسیاری از فعالیت‌ها توانمندی لازم را ندارند، بنابراین باید به کوچک سازی پرداخت.

ج) خصوصی سازی مالکیت: در این نوع خصوصی سازی، کلیه حساب‌های مالی شرکت بررسی می‌شود و ضمن شفاف سازی، سهام شرکت در معرض فروش عمومی قرار می‌گیرد.

به طور کلی، اهداف خصوصی سازی عبارت‌اند از:^(۱۳)

۱) کاهش اندازه بخش دولتی از طریق مالکیت و کنترل اقتصادی، افزایش کارایی عملیات مؤسسات اقتصادی، کاهش کسر بودجه و بدهی‌های دولت و در نهایت، افزایش رقابت.

البته باید دقت شود که ممکن است این رقابت با ابزارهایی مانند «نرخ شکنی» به رقابت ناسالم تبدیل شود و این مورد در صنعت بیمه نیز استثنا نیست. برای رفع این مشکل، مراجع نظارتی باید بر نحوه عملکرد شرکت‌ها نظارت کامل داشته باشند.

۲) گسترش بازار سرمایه، تعدیل مقررات (مقررات زدایی)، ایجاد دلبستگی و علاقه در شاغلین شرکت‌ها، تأمین منابع مصرف کنندگان، توزیع مناسب درآمدها و در نهایت تعدیل یارانه‌ها و اختلال قیمت‌ها.

به هر حال معمولترین روشهای خصوصی سازی عبارت‌اند از:^(۱۴)

الف) واگذاری شرکت‌ها به مردم و صاحبان سرمایه از طریق عرضه سهام به صورت فروش سهام و یا ارائه رایگان آن.

ب) واگذاری شرکت‌ها به صاحبان سرمایه از طریق مزایده و یا مذاکره.

خصوصی سازی طی دو مرحله اساسی صورت می‌گیرد:^(۱۵)

مرحله اول عبارت از آماده کردن شرکت‌ها برای امکان حضور در بازارها و رقابت با رقبای خارجی است و مرحله دوم عبارت از تغییر مالکیت، مدیریت یا ترکیبی از این دو در جهت بالا بردن کارایی شرکت است.

از جنبه آماده کردن شرکت‌ها برای خصوصی سازی، بهترین راه حل پیشنهادی عبارت از آزادسازی مرحله‌ای صنعت بیمه است یعنی آنکه شرکت‌های بیمه مرحله به مرحله با رقبای خارجی روبرو شوند و به تدریج خود را با شرایط رقابتی تطبیق دهند.

آزادسازی

آزادسازی عبارت از مجموعه اقدامات و اصلاحاتی است که می‌توان

بدون آنکه خصوصی سازی مطرح باشد با حذف مقررات و قوانین دست و پا گیر به نحوی عمل کرد که مشارکت بخش خصوصی در امور اقتصادی، افزون گشته و به بهبود کارایی منجر شود. به عبارت دیگر، در شرایطی که برای ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی، ممنوعیت‌ها و یا محدودیت‌هایی وجود دارد برداشتن تدریجی این موانع را آزادسازی می‌گویند و این بدان معنا نیست که با برداشتن محدودیت‌های قانونی در بخشی از اقتصاد، بی‌درنگ ورود مؤسسات و سرمایه‌های خصوصی به این بخش آغاز شود و از این تاریخ می‌توان پیامدهای آزادسازی را انتظار داشت، بلکه باید همزمان با برداشتن محدودیت‌های قانونی، سایر موانع اقتصادی و اجتماعی نیز برداشته شود و با فراهم شدن بستر، ثبات و انگیزه‌های لازم، رابطه مناسبی میان ریسک و بازدهی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد به ویژه در دوره‌های زمانی میان مدت و بلند مدت برقرار شود.^(۱۶)

عوامل مؤثر بر افزایش کارایی ناشی از آزادسازی

تعداد شرکت‌های بیمه در شرایط بعد از آزادسازی و خصوصی سازی، یکی از دیگر عواملی است که افزایش کارایی در شرکت‌های بیمه را الزامی می‌کند. با افزایش تعداد شرکت‌های بیمه و رقابت در صنعت بیمه، یکی از راهکارهایی که شرکت‌های بیمه برای جذب مشتری انتخاب می‌کنند جداسازی مشتریان با ریسک کم از مشتریان با ریسک بالا در یک گروه است. شرکتی که براساس توان تجربی و اطلاعاتی و با استفاده از امکانات تکنولوژی می‌تواند بیمه‌گذاران با ریسک کم را از بیمه‌گذاران با ریسک بالا متمایز کند قادر خواهد بود حق بیمه‌هایی را که تا قبل از آن برای میانگین گروه بیمه تعیین می‌شده است برای بیمه‌گذاران با ریسک کم به میزان در خور توجهی کاهش دهد و در مقابل، برای گروه با ریسک بالا حق بیمه‌های سنگین تری در نظر بگیرد. عامل دیگری که با اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی سازی موجب افزایش کارایی شرکت‌های بیمه می‌شود حذف و کاهش مشکلات و موانعی است که تا قبل از اجرای این سیاست‌ها در اداره امور شرکت‌های بیمه به صورت دولتی وجود دارد.^(۱۷)

به طور کلی برای رشد و توسعه صنعت بیمه باید زمینه‌ها و بسترهای لازم وجود داشته باشند چرا که در غیر این صورت سیاست‌هایی نظیر خصوصی سازی و آزادسازی قادر به کارکردن صنعت بیمه در چارچوب نظام اقتصادی کشور نخواهند شد.

دیدگاه‌های مختلف در رابطه با آزادسازی و مقررات

زدایی

در موافقت و مخالفت با آثار خصوصی سازی و آزادسازی بر عملکرد شرکت‌های واگذار شده، نظریات و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارند که برخی از این نظریات به قرار زیرند:

الف) طرفداران آزادسازی معتقدند که در نتیجه واگذاری، شرکت‌ها در مسیر نظم بازار قرار می‌گیرند، دخالت‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کمتر می‌شود و انگیزه برای بهبود تولید

ایجاد می‌شود. مجموعه این عوامل موجب افزایش کیفیت و بهبود عملکرد و کارایی شرکت‌های واگذار شده می‌گردد. (۱۸)

ب) طبق گزارش بانک جهانی در آوریل ۱۹۹۲، بررسی‌ها در ۱۲ کشور نشان می‌دهد که آزادسازی در کشورهای دارای درآمد بالا و متوسط، موفقیت‌آمیز بوده است و آزادسازی در کشورهای فقیر، مشکل‌تر و نتایج منفی داشته است.

ج) مدافعان آزادسازی و مقررات زدایی معتقدند که به دنبال این پدیده در بخش‌هایی از جمله بیمه، رشد اقتصادی تسریع می‌شود، و سرعت این رشد در بخش‌های نوآور اقتصادی بیشتر است. علاوه بر رشد سریعتر، ثبات اقتصادی نیز ایجاد می‌شود.

در دفاع از مقررات زدایی؛ اقتصاددانان معتقدند که مقررات تنظیمی سبب تورم می‌شود و بهره‌وری را کند می‌کند، اما مقررات زدایی رقابت‌پذیری نیروها را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی را دامن می‌زند. (۱۹)

د) مخالفان آزادسازی و مقررات زدایی معتقدند که این پدیده منجر به توزیع مجدد رانت‌ها می‌گردد؛ از این رو حتی اگر سودآوری را به طور واقعی تثبیت کند، منجر به این خواهد شد که توزیع نامتعادل تر شود. چنین تغییراتی منجر به کاهش تعداد بنگاه‌های متصدی خواهد شد، در نتیجه ممکن است بیکاری برای مدتی افزایش یابد و دستمزدهای واقعی کاهش یابد. (۲۰)

ه) مخالفان آزادسازی در انگلستان، نتایج آزادسازی را که بیانگر دستیابی به اهداف تعیین شده است ناشی از بهبود مقطعی در اقتصاد کشور بین اواخر سال ۱۹۹۰ تا آخر سال ۱۹۹۵ و همچنین اقدامات انجام شده توسط دولت قبل از واگذاری شرکت‌ها می‌دانند.

تجارب کشورها در زمینه آزادسازی بیمه

آزادسازی و خصوصی‌سازی از دو دهه قبل در سطح جهانی و در یک دهه گذشته در سطح کشور ما موجب بحث‌های دامنه‌داری شده است. کشورهای بسیاری از جمله هند، مصر، برزیل، چین و مالزی در دو دهه گذشته، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را که قبلاً دولت انجام می‌داد به بخش خصوصی انتقال داده‌اند و یا محدودیت‌هایی را که در مقابل ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به یک صنعت وجود داشته است، برداشته‌اند. (۲۱)

دولت شیلی (۲۲) در سال ۱۹۸۰ میلادی یک برنامه آزادسازی جامع و خصوصی‌سازی بازار بیمه را در پیش گرفت. هدف اساسی این برنامه، تحرک بخشیدن به صنعت بیمه این کشور بود.

بعد از برنامه آزادسازی و خصوصی‌سازی بیمه، بیمه‌گران در تعیین تعرفه‌ها و انعقاد قراردادها با بیمه‌گران داخلی یا خارجی به آزادی نسبی بالایی دست یافتند، و از طرفی بیمه‌گران خارجی بدون هیچ محدودیت خاصی به فعالیت پرداختند.

کشور هندوستان (۲۳) نیز چند دوره را در زمینه فعالیت بخش خصوصی در بیمه سپری کرده است. تا سال ۱۹۷۶ بیمه عمومی را بخش‌های خصوصی خارجی و داخلی اداره می‌کردند ولی از آن به بعد صنعت بیمه در این کشور ملی شد و مجدداً از سال ۱۹۹۱ برنامه آزادسازی و خصوصی‌سازی بیمه در هند آغاز گردید.

در حال حاضر فعالیت بیمه‌ای در پاکستان متعلق به هر دو بخش دولتی و خصوصی (داخلی و خارجی) است. ساختار بیمه پاکستان از دو بخش بیمه عمومی و عمر تشکیل شده است که بیمه عمومی در برگیرنده دو بخش خصوصی و دولتی است و بیمه عمر نیز تماماً متعلق به دولت می‌باشد و اداره آن نیز با نظارت دولت صورت می‌گیرد که آن نیز شامل دو شرکت دولتی عمر و بیمه عمر پستی است. یکی از عمده‌ترین آثار خصوصی‌سازی صنعت بیمه در پاکستان، افزایش گرایش به فعالیت در رشته بیمه‌های غیر زندگی (عمومی) است. (۲۴)

تجربه خصوصی‌سازی صنعت بیمه در کشورهای دیگری همچون سریلانکا، برزیل و نیز کشورهای توسعه‌یافته‌ای چون انگلستان، آمریکا و ژاپن بسیار موفق بوده است.

به طور کلی نتایج حاصل از بکارگیری این سیاست، بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور کاملاً متفاوت است به عنوان مثال در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نهادهای سازمان یافته بازار آزاد به صورت گسترده و با سابقه طولانی وجود دارد. مقررات شفاف، مشارکت عمومی، برنامه‌ریزی کامل و اجرای صحیح قوانین و مقررات، زمینه‌های موفقیت خصوصی‌سازی را در این کشورها فراهم نموده است. حال آنکه در کشورهایی که چنین نهادهایی وجود نداشته، بسترهای لازم برای عملکرد موفق عوامل اقتصادی فراهم نشده، برنامه‌ریزی صحیح و اجرای دقیقی وجود نداشته، واگذاری‌ها بر اساس قضاوت‌های فردی و بر مبنای منافع فردی و گروهی صورت گرفته و نه بر اساس «استحقاق» آن‌ها، این سیاست از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است، لذا در بکارگیری این سیاست شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشور باید کاملاً مورد توجه قرار گیرد. (۲۵)

تاریخچه و عملکرد بیمه در ایران

فعالیت‌های بیمه‌ای قبل از انقلاب



در ایران عمدتاً با تأسیس شرکت سهامی بیمه ایران در سال ۱۳۱۴ شروع شد. با تصویب قانون بیمه در سال ۱۳۱۶ فعالیت بیمه ایران وسعت بیشتری یافت و به عنوان یک شرکت بیمه اتکایی به فعالیت پرداخت و در کنار حمایت‌های دولت و مقررات قانونی توانست به یک نقش انحصاری در بازار دست پیدا کند به طوری که با در دست داشتن بیش از ۷۵ درصد سهم بازار، در سال ۱۳۱۸ به عنوان یک مؤسسه رهبر در بازار شناخته شد. به منظور محدود کردن فعالیت مؤسسات خارجی در سال ۱۳۳۱ مقررات جدیدی وضع شد که موجب خروج شرکت‌های بیمه خارجی از ایران گردید. پس از گذشت ۱۵ سال از تاریخ تأسیس اولین شرکت بیمه دولتی در ایران، شرکت «بیمه شرق» در سال ۱۳۲۹ به عنوان اولین شرکت خصوصی بیمه به فعالیت پرداخت و متعاقب آن هفت شرکت بیمه دیگر در دهه ۴۰ پا به عرصه فعالیت‌های اقتصادی گذاشتند. بیمه‌های آریا، پارس، ملی، آسیا، البرز، امید و ساختمان کار در این شمارند. سپس در سال ۱۳۵۰ بیمه مرکزی ایران تأسیس و متعاقب آن زمینه فعالیت شرکت مشترک ایرانی و خارجی فراهم گردید، به طوری که در نیمه اول دهه ۵۰ چهار شرکت جدید بیمه تهران، دانا، حافظ و ایران - آمریکا تأسیس شدند. در این دوره حضور فعال شرکت‌های خارجی در ایران موجبات انتقال تکنولوژی صدور، نگهداری و اتکایی بیمه‌های جدید به ایران فراهم گردید. با وقوع انقلاب اسلامی، کلیه شرکت‌های فوق جز بیمه ایران در یک پروسه ادغام وارد شده و ماحصل این پروسه، تشکیل سه شرکت فعال در زمینه بیمه اشیاء و اشخاص به نام‌های بیمه ایران، آسیا و البرز و یک شرکت بیمه اشخاص بنام بیمه داناست. (۲۶) در سال‌های اخیر زمینه برای فعالیت شرکت‌های خصوصی بیمه فراهم گردید، به طوری که در سال ۱۳۸۲ سهم شرکت‌های نوپای بیمه خصوصی از بازار بیمه کشور حدود ۳ درصد و سهم بیمه‌های دولتی از این بازار حدود ۹۷ درصد بود. (از این بازار سهم بیمه ایران ۵۳/۹ درصد، بیمه آسیا ۲۲/۳ درصد، بیمه دانا ۱۳/۳ درصد، بیمه البرز ۷/۴ درصد، و بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری ۰/۱۲ درصد بوده است). انتظار می‌رود با توسعه فعالیت و رقابت سالم، شرکت‌های بیمه غیر دولتی سهم خود را از بازار بیمه کشور افزایش دهند.

بر اساس آخرین آمارهای صنعت بیمه کشور که بیمه مرکزی منتشر کرده حق بیمه صادره صنعت بیمه در سال گذشته ۱۲ تریلیون و ۷۴۳ میلیارد ریال و سهم شرکت‌های نوپای غیر دولتی از بازار بیمه کشور در سال ۱۳۸۲ حدود ۳ درصد است (سهم بیمه پارسیان ۱/۴۲ درصد، بیمه حافظ ۰/۷۱ درصد، بیمه کارآفرین ۰/۳۳ درصد، بیمه رازی ۰/۱۲ درصد، بیمه سینا ۰/۱۱ درصد، بیمه ملت ۰/۰۷ درصد، بیمه امید ۰/۰۴ درصد و بیمه توسعه ۰/۰۴ درصد).

مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در خصوص صنعت بیمه در ایران حاکی از آن است که اگرچه در مقایسه با شاخص‌های بین‌المللی هنوز عقب ماندگی‌هایی وجود دارد، اما در مقایسه با سال‌های گذشته موفقیت‌های قابل توجهی حاصل گشته است. آمارهای به دست آمده حاکی از آن است که حق بیمه تولید شده در سال ۱۳۷۶ حدود ۱۵۵۰ میلیارد ریال بوده که این رقم در سال ۱۳۸۲ بیش از هشت برابر گشته و

به حدود ۱۲۶۵۰ میلیارد ریال رسیده است به طوری که طی این هفت سال حق بیمه رشد میانگین سالیانه ۴۲ درصد داشته است. میزان خسارت پرداختی در سال ۱۳۷۶ حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال بوده که در پایان سال ۱۳۸۲ به بیش از ۷۶۱۳ میلیارد ریال رسیده است. به عبارت دیگر در طول هفت سال خسارت پرداختی حدود ۷/۶ برابر شده است و میانگین رشد خسارت سالیانه ۴۰/۳ درصد بوده است. تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۷۶ به قیمت پایه همان سال ۲۹۱۷۶۸ میلیارد ریال بوده که این رقم در سال گذشته به قیمت‌های پایه سال ۱۳۷۶ به ۳۷۷۱۶۲ میلیارد ریال بالغ شده است به طوری که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی در چهار سال گذشته بالغ بر ۵/۲ درصد بوده است. به طور کلی با توجه به نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی ملاحظه می‌شود که رشد صنعت بیمه سریعتر از رشد کل اقتصاد بوده است. طی دوره مورد بررسی یعنی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ این ضریب از ۰/۵۵ درصد به ۱/۱۲ درصد رسیده است. این امر نشان می‌دهد که ضریب نفوذ بیمه در کشور در طول هفت سال گذشته بیش از دو برابر گشته است.

یکی از موفقیت‌های صنعت بیمه در دوران دولتی بودن شرکت‌های بیمه، توسعه شبکه فروش و خدمت‌رسانی خصوصی در کنار توسعه شعب شرکت‌ها بوده، به طوری که تعداد نمایندگی‌های بیمه از حدود ۱۲۶۵ نماینده بیمه در سال ۱۳۷۶ به حدود ۶۰۰۰ نماینده حقیقی و حقوقی در سال ۱۳۸۲ و تعداد کارگزاران فعال بیمه از ۶۷ کارگزار در سال ۱۳۷۶ به حدود ۲۰۰ کارگزار حقیقی و حقوقی در سال ۱۳۸۲ رسیده است. تعداد شعب شرکت‌های بیمه نیز در این مدت به حدود ۴۰۰ شعبه در سراسر کشور افزایش یافته است. این امر ضمن تعمیم و توسعه بیمه در کشور موجب جذب نیروی کار و گسترش اشتغال در صنعت بیمه شده است.

در چارچوب قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیر دولتی، شش شرکت بیمه خصوصی در سال ۱۳۸۲ مجوز فعالیت گرفتند و در اولین سال فعالیت خود ۲۶۶ میلیارد ریال حق بیمه تولید کردند که این رقم معادل ۲/۱ درصد حق بیمه صادره صنعت بیمه کشور است. (۲۷)

مشکلات و تنگناها

بررسی آمار و اطلاعات بورس و سازمان‌های واگذار کننده شرکت‌های دولتی در ایران توسط محققان اقتصادی نشان می‌دهد که به دلیل عدم تدوین اهداف کلی آزادسازی، کافی نبودن دستورالعمل‌های اجرایی دولت، تغییر سیاست‌های پولی، تغییر نرخ ارز و عدم توانایی رقابت تولیدات شرکت‌های واگذار شده با کالاهای مشابه وارداتی، عدم ایجاد فضای لازم برای آزادسازی، مشخص نبودن روابط میان دولت و شرکت‌ها پس از آزادسازی موجب گردیده است که فرایند آزادسازی دچار اشکالات اساسی گردد.

گفتنی است که مشکل اساسی در صنعت بیمه کشور، فقدان نیروی متخصص و ماهر مدیریتی است. بیمه از جمله فعالیت‌هایی است که در درجه اول به نیروی انسانی متکی است. بنابراین با تأسیس مداوم شرکت‌های بیمه خصوصی، بدون نیروی انسانی ماهر مدیریتی، در سرویس دهی، تأمین نیاز و حفظ اصول بیمه‌ای دچار مشکل خواهیم شد،

از اینرو صدور مجوز برای شرکت های بیمه خصوصی باید همراه با اعلام برنامه عملیاتی، سرمایه و نیروی انسانی باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

پویایی صنعت بیمه در هر کشوری نمادی از رشد و توسعه آن کشور است و لازمه تحقق همگانی و فراگیر شدن آن اشاعه «فرهنگ» آن است. به همین جهت هزینه بر است و دولت به دلیل مسوولیت های نظارتی و مدیریتی خاص نمی تواند چنین وظایفی را به عهده بگیرد. علاوه بر این، ارائه سرویس و خدمات پس از فروش، مهمترین بخش از وظایف بیمه گر در قبال بیمه گذار به هنگام ایجاد حادثه و جبران خسارت وارده است و به دلیل ویژگی خاص آن رفتار متقابل و برخورد های اصولی خود را می طلبد که تنها شاید بخش خصوصی تا حد زیادی بتواند آن را به عهده گیرد و تقبل نماید.

پیشنهادها:

۱- در روند آزادسازی باید از اول تابع هدف کاملاً روشن و مشخص باشد. اگر از اول مشخص نباشد که چه حجمی از بازار، بخش خصوصی و چه حجمی بخش دولتی باشد و یا تفکیک وظایف برای سیاست گذاران مشخص نباشد بدیهی است که در روند آزادسازی، یافتن ترکیب مطلوب و رسیدن به سر منزل مقصود، تنها امری تصادفی خواهد بود.

۲- در روند آزادسازی با توجه به آنکه شرکت ها در صنایع مختلف و کشورهای گوناگون با شرایط متفاوتی مواجه هستند باید برای هر صنعت در هر کشور خاصی از روش های خاصی استفاده شود و استفاده از روش یکسان در کشورها و صنایع مختلف نتیجه ای جز شکست به همراه نخواهد داشت.

۳- شرکت های انتخاب شده برای آزادسازی باید از لحاظ ساختار مالی، انسانی و قانونی بازسازی شوند و در غیر این صورت هر نوع آزادسازی، ناموفق خواهد بود.

۴- آزادسازی در شرکت های کوچکتر، موفقتر بوده و شرکت های بزرگ به سبب شکل گیری روابط و ضوابط خاص با مشکلات فراوان مواجه می شوند، لذا آزادسازی در چنین شرکت هایی باید به صورت مرحله ای صورت گیرد.

۵- با توجه به ساختارهای نامناسب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، لازم است در امر آزادسازی، از هر گونه سیاست راهبردی که به ساختارهای موجود صدمات جدی وارد می کند، خودداری شود.

۶- در امر آزادسازی توصیه می شود که به غیر از جنبه مهم سودآوری قبل از هر اقدامی به جنبه های مهم درون شرکتی مانند ساختار هزینه، بهره وری و غیره توجه لازم مبذول شود و قیمت گذاری روی هر شرکت به صورت منصفانه باشد.

۷- در روند آزادسازی لازم است توجه داشته باشیم که در جریان این روند، هدف اصلی کمک به توسعه اقتصادی و اصلاح معضلات اقتصادی است و صرف تغییر مالکیت، مشکلی را حل نمی کند، لذا توصیه می شود در جریان روند خصوصی سازی و قراردادهای مربوط موارد مهمی مانند

توسعه تکنولوژی بیمه ای و مدیریتی در آینده، وضعیت اشتغال و نیروی کار در آینده، روش های گوناگون اتخاذ شده در مدیریت شرکت با ملاحظات امنیت ملی مورد توجه لازم قرار گیرد.

پی نوشت ها:

۱- سلیمی فر، مصطفی و اکبر باقری گیگل، "بررسی آثار خصوصی سازی صنعت بیمه بر اقتصاد ایران"، فصلنامه بیمه، سال هیجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۶۹، ص ۵۴.

۲- امیراصلانی، اسداله، "تاثیر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی شرکت های بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۷۹، ص ۴۱.

3- Parameter

4- Collier. Ute (1998); "Deregulation in the European Union"; Rutledge; p.6

5- Quartey Peter (2001); Regulation, Competition and Small and Medium Enterprises in Developing Countries.

6- Collier. ute (1998); IBid; p.9.

7- Collier. ute (1998); IBid; p.10.

8- "Deregulation and Regulation"; p. 1. at www.nge - edsves. Com/ clackamas.

۹- سلیمی فر، مصطفی و اکبر باقری گیگل، "بررسی آثار خصوصی سازی صنعت بیمه بر اقتصاد ایران"، فصلنامه بیمه، سال هیجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۶۹، ص ۵۱.

10-Marketisation.

11-Deregulation.

۱۲- پیکار جو، کامبیز، "مروری بر مباحث خصوصی سازی، اهداف و دستاوردهای آن در صنعت بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۸.

۱۳- سلیمی فر، مصطفی و اکبر باقری گیگل، پیشین.

۱۴- عرب مازار، اکبر، "خصوصی سازی و تاثیر آن بر اشتغال"، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۴.

۱۵- دقیقی، علیرضا، "یک مدل پیشنهادی برای آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

۱۶- امیراصلانی، اسداله، "تاثیر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی شرکت های بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۷۹.

۱۷- همان.

۱۸- شهابنگ، رضا و رضا نظری، "ارزیابی آثار خصوصی سازی بر عملکرد و بازدهی شرکت های واگذار شده به بخش خصوصی"، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۷۸.

19- Strahan. E. Philip, "The Real Effects of U.S. Banking Deregulation" p. 1.

20- "Macroeconomic Effects of Regulation and Deregulation in Goods and Labor Markets"; at www.ideas.repec.org/



دستاورد‌های آن در صنعت بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۷۹.

- خصوصی سازی، تجربه‌ها و ضرورت‌ها، گزارش یک سمینار، مجله تدبیر، شماره ۳۲، خرداد ۱۳۷۲، ص ۱۲.

- دقیقی، علیرضا، "یک مدل پیشنهادی برای آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- سلیمی فر، مصطفی و اکبر باقری گیگل، "بررسی آثار خصوصی سازی صنعت بیمه بر اقتصاد ایران"، فصلنامه بیمه، سال هیجدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۶۹.

- شبانگ، رضا و رضا نظری، "ارزیابی آثار خصوصی سازی بر عملکرد و بازدهی شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی"، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۷۸.

- صفدری، جواد، "راهکارهای مشارکت بخش خصوصی در صنعت بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- عادل، محمود، مترجم، تاثیر خصوصی سازی بر صنعت بیمه پاکستان، فصلنامه صنعت بیمه، سال هشتم، شماره سوم، صص ۴۹-۵۲.

- عرب مازار، اکبر، "خصوصی سازی و تاثیر آن بر اشتغال"، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۴.

- مرزبان، حسین، "ضرورت خصوصی سازی جهت کارآمدن بیمه در ایران"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- میرزایی، حبیب و آتوسا میرزاخانی، "ضرورت و اهمیت نظارت بر توان‌گری شرکت‌های بیمه در شرایط آزادسازی"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- نادران، الیاس و علی نصیری اقدم، "تاثیر خصوصی سازی و آزادسازی صنعت بیمه بر کارایی صنعت بیمه و شرکت‌های فعال در آن"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- همتی، عبدالناصر، "جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد ایران"، فصلنامه بیمه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۷۷.

- Collier. Ute (1998); "Deregulation in the European Union"; Rutledge; p.6

- "Deregulation and Regulation"; p. 1. at www.nge - edsves. Com/ clackamas.

"Macroeconomic Effects of Regulation and Deregulation in Goods and Labor Markets"; at ww.ideas.repec.org/

- Quartey Peter 2001; Regulation, Competition and Small and Medium Enterprises in Developing Countries.

- Strahan. E. Philip, "The Real Effects of U.S. Banking Deregulation" p. 1.

-www.cent-ir.com

۲۱- امیراصلانی، اسداله، "تاثیر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی شرکت‌های بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۷۹، صص ۳۸.

۲۲- خصوصی سازی، تجربه‌ها و ضرورت‌ها، گزارش یک سمینار، مجله تدبیر، شماره ۳۲، خرداد ۱۳۷۲، صص ۱۲.

۲۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، خصوصی سازی شماره ۱۶، تهران آذر ۷۸، صص ۵۵-۱۲.

۲۴- عادل، محمود، مترجم، تاثیر خصوصی سازی بر صنعت بیمه پاکستان، فصلنامه صنعت بیمه، سال هشتم، شماره سوم، صص ۴۹-۵۲.

۲۵- نادران، الیاس و علی نصیری اقدم، "تاثیر خصوصی سازی و آزادسازی صنعت بیمه بر کارایی صنعت بیمه و شرکت‌های فعال در آن"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

۲۶- مرزبان، حسین، "ضرورت خصوصی سازی جهت کارآمدن بیمه در ایران"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

27 - www.cent-ir.com

منابع:

- احمدپور، محمدحسن؛ بهرام دلگشایی، ایرج کریمی و سید جمال الدین طبیبی، "الگوی خصوصی سازی بیمه‌های درمانی ایران بر اساس تجربیات کشورهای منتخب"، فصلنامه بیمه، سال هیجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۷۰.

- اکبرزاده، رضا، "خصوصی سازی در صنعت بیمه، فرصت‌ها و تهدیدها"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۷۹.

- امیراصلانی، اسداله، "تاثیر آزادسازی و خصوصی سازی صنعت بیمه بر کارایی شرکت‌های بیمه"، فصلنامه بیمه، سال پانزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۷۹.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، خصوصی سازی شماره ۱۶، تهران آذر ۷۸، صص ۵۵-۱۲.

- پیکارچو، کامبیز، "بررسی حجم و بازده سرمایه گذاری شرکت‌های بیمه دولتی و پیامدهای خصوصی سازی در بازار سرمایه"، فصلنامه بیمه، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰، شماره مسلسل ۶۴.

- پیکارچو، کامبیز، "مروری بر مباحث خصوصی سازی، اهداف و